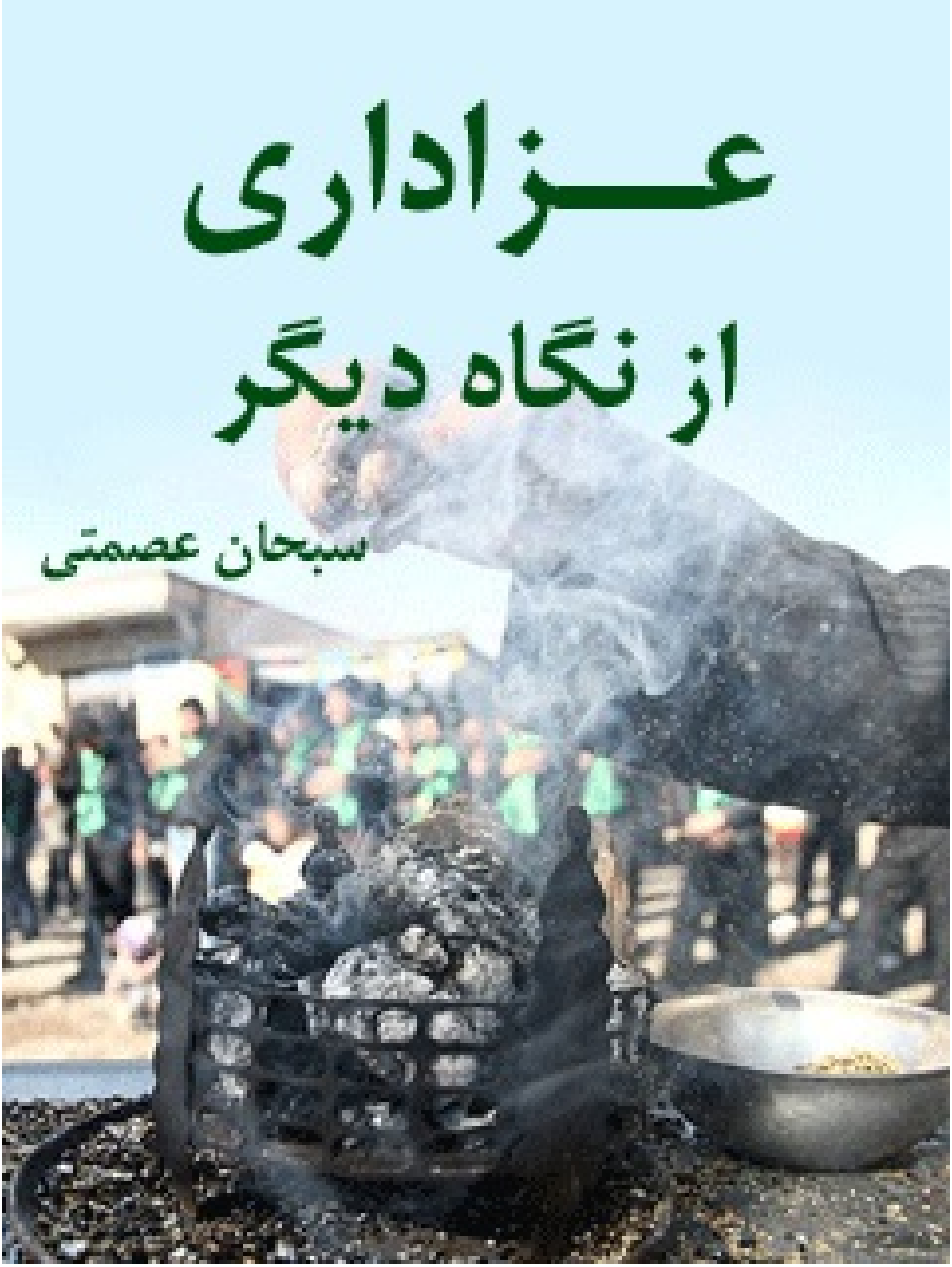
عزاداری

از نگاه دیگر

سبحان عصمتی



بسم الله الرحمن الرحیم

عزاداری از نگاهی دیگر

نویسنده:

سبحان عصمتی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عزاداری از نگاهی دیگر

مشخصات کتاب

عنوان : عزاداری از نگاهی دیگر

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

سبحان عصمتی(پدیدآور)

ناشر : سبحان عصمتی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : سوگواری ها[۱]

اصلاحات دینی

اسباب گریه

اصلاحات اجتماعی

مقدمه

از سنت های رایج در میان ما شیعیان، برگزاری مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر برای شهدای کربلا به ویژه امام حسین (ع) است. بر اساس داده های تاریخی،عزاداری برای آن بزرگواران از روز بعد واقعه کربلا آغاز و در طول زمان با وجود فراز و نشیب هایی ادامه یافته تا این که به شکل سنت سالیانه در فرم و شکل خاص همراه بامراسم و آداب در آمده است.از طرفی، بر اثر پیشرفت رسانه های گروهی و گسترده شدن روابط اجتماعی،جامعه های بشری به صورت جامعه ای کوچک در آمده و آداب و رسوم هر قوم و ملتی، خواه ناخواه در معرض دید و داوری دیگر اقوام و ملل قرار گرفته است. لذا رفتار و کردار گروهی هر جامعه و ملتی که در قالب سنت ها نمود می یابد، برای دیگر جامعه ها و ملل پرسش برانگیز می نماید، چنان که نه تنها برای اقوام دیگر بلکه برای نسل جدید جامعه شیعی که با گسترش دانش بشری روبه رو شده، بی دغدغه خاطر و پرسش نخواهد بود. نسل جدیدمی خواهد به فلسفه و پیشینه پیدایی سنت ها و هنجارهای ثابت مذهبی، آگاهی یابد تادر پای بندی به

آن ها دچار دغدغه خاطر نشود و سرافرازانه از آن دفاع کند.بر این اساس، بر دانشمندان متعهد جامعه ماست که برای دفاع از سنت دیرینه عزاداری در سالگرد شهدای کربلا، آن را به صورتی بر جامعه جهانی و نسل جدید خود عرضه نمایند که مورد پذیرش فطرت و خرد آنان قرار گیرد.نوشتار حاضر

تلاشی است بسیار انـدک در این باره، امید آن که دانشـمندان متعهد گام های بزرگ تری در جهت تجزیه و تحلیل انسانی و عقلانی این سنت مهم بردارند، تا جامعه جهانی و نسل جدید ما هر چه بهتر و بیشتر با فرهنگ عاشورا آشنا شود.مطالب خود را در چند بخش به طور خلاصه عرضه می نماییم: ۱ ریشه های عزاداری؛ ۲ فلسفه عزاداری؛ ۳ ارزش های عاشورا؛ ۴ پرسش ها و پاسخ ها.

ریشه های عزاداری

تاریخی

همـان طور که در مقـدمه اشـاره شـد عزاداری برای شـهدای کربلاـ از روز بعـد واقعه کربلا آغاز شـده است؛ به چنـد نمونه از عزاداری برای شـهدای کربلاـ اشـاره می شـود تـا نشـان داده شـود کـه عزاداری برای آن بزرگـواران ریشه در فطرت انسـانی و وجدان دینی مسـلمانان داشـته و به طور خود جوش و طبیعی انجام گرفته است:۱ وقتی که اهل بیت امام حسـین (ع) را در حال اسارت به کوفه بردنـد، هنگامی که مردم متوجه شدنـد آنان از خانـدان پیامبرند، ناله شان به گریه و زاری بلند شد، امام سـجاد (ع) به آنـان فرمود: «اَتَنُوحُون َوَ تَبْکُون َمِن ْأجْلِنـا؟! فَمَن ْذَاالَّذِی ْقَتَلَنـا؟ آیـا برای مـامی گرییـد و بر مـا نوحه می کنیـد، پس کشنده ما کیست و چه کسی که ما را کشت؟»هنگامی که حضرت زینب (س) با سخنان بیدارگر خود که از عمق جانش برمی خاست مردم کوفه را سرزنش کرد و آنان متوجه شدند که چه کار ناشایسته ای انجام داده اند و چه فاجعه عظیمی را در تاریخ به وجود آورده اند از کرده خود سـخت پشیمان شدند و به شیون و زاری پرداختند؛ راوی گوید، به خدا قسم مردم را دیدم که هنگام شنیدن این خطبه، حیران بودند و می گریستند و دست ها به

دندان می گزیدند.وقتی که ام کلثوم (س) دختر امام علی (ع) در میان مردم کوفه سخن رانی کرد، صدای گریه و ناله از مردم برخاست، زنان گیسو پریشان کردند، خاک بر سر پاشیدند، چهره ها خراشیدند، سیلی به صورت زدند و فریاد وا ویلا و وا بثورا بلند نمودند و مردها گریستند و موهای محاسن خود را کندند، هیچ موقع دیده نشد که مردم بیش از آن روز گریه کنند.۲ وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) را اسیرانه همراه با سرهای شهدای کربلا به دمشق بردند و با سخن رانی هایی که بازماندگان شهدا (به خصوص امام سجاد (ع)) کردند، چهره مزورانه یزید از هم دریده شد و مردم پایتخت تازه پی بردند که چه جنایت عظیمی انجام گرفته است. برای جبران این جنایت و در واکنش به این مصیبت بزرگ به عزاداری برای شهدای کربلا پرداختند: اهل شام که در خواب غفلت بودند، بیدار شدند و بازارها را تعطیل، و سوگواری به پا کردند، گفتند: به خدا قسم ما نمی دانستیم که آن سر،سر حسین (ع) است، چون گفته بودند، آن سر یک نفر خارجی است که در خاک عراق خروج کرده است.یزید که با احساسات مخالف مردم مواجه شده بود، برای فریب افکار عمومی و تبرئه خود، حرم امام حسین (ع) را طلبید و از آنان عذر خواهی کرد و گفت، شما دوست دارید نزد من بمانید یا به سوی مدینه بروید؟ گفتند: دوست داریم چند روز برای امام حسین (ع) نوحه سرایی کنیم، بعد به مدینه برویم. یزید دستور داد خانه ای در اختیار آنان بگذارند و همه وسایل مورد احتیاج را برای آنان آماده کردند و آنان مشغول نوحه سرایی بر حسین

(ع) شدند. در دمشق هیچ زن قریشی نماند، مگر این که لباس سیاه پوشید و هفت روز بر حسین (ع) گریست. همین که روز هشتم رسید، یزید آنان را بین ماندن نزد او و رفتن به مدینه مخیّر کرد و آنان رفتن را اختیار کردند.ابن قتیبه دینوری می نویسد: وقتی که اسرای کربلا را به شام نزد یزید آوردند، یزید رو به مجلسیان کرد و از آنان پرسید، نظرشان درباره این اسرا چیست؟ نعمان بن بشیر (فرماندار سابق کوفه) که در مجلس حاضر بود، گفت: ای امیر مؤمنان! با اینان آن طور رفتار کن که اگر پیامبر (ص) زنده بود و اینان را در این حال می دید، رفتار می کرد. یکی از دختران امام حسین (ع) گفت: ای یزید! این زنان دختران پیامبرند. با این کلام مردم اهل شام که در مجلس بودند، صدایشان به گریه بلند شد.طبری و بلاذری نیز مطالبی چنین نقل کرده اند.۳ وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) و بازماندگان شهدای کربلا به مدینه وارد شدند، مردم مدینه در فقدان امام حسین (ع) و برادران و فرزندانش، صدا به گریه و شیون بلند کردند؛ همانند روزی که پیامبر (ص) از دنیا رحلت کرده بود. بشیر بن جذلم گفت: چون نزدیک مدینه رسیدیم، علی بن حسین (ع) پیاده شد و خیمه ها بر پا کرد و زنان را پیاده نمود و فرمود: ای بشیر، خدا پدرت را بیامرزد که مردی شاعر بود، آیا تو می توانی شعر بگویی؟ بشیر گفت، آری، ای پسر پیامبر (ص) ، من هم شاعر هستم، فرمود: برو مدینه و خبر شهادت اباعبد الله را به اطلاع مردم برسان. بشیر گفت: من بر اسبم سوار

شدم وباشتاب آمدم تا وارد مدینه شدم، چون به مسجد رسول خدا (ص) رسیدم، صدا به گریه بلندنمودم و این اشعار را انشا کردم (که ترجمه آن چنین است) : ای مردم مدینه! دیگر درمدینه نمانید، زیرا حسین (ع) کشته شد و از شهادت اوست که اشک چشم من چون باران فرو می ریزد، بدن حسین (ع) در زمین کربلا به خون آغشته و سر مقدس او را بالای نیزه در شهرها می گردانند. پس از آن گفتم: ای اهل مدینه، اکنون علی بن حسین (ع) با عمه ها و خواهرانش نزدیک شما و پشت دیوار شهر شماست و من فرستاده او هستم که جایگاه او را به شما نشان دهم. از این سخن تمام زنان مدینه که در حجاب مستور بودند،از چادرها بیرون آمدند و فریاد واویلا وا ثبورا بلند نمودند، ندیدم روزی را که گریه کنندگان بیش از آن روز باشند.۴ سال ۶۵ هجری قمری گروهی از مردم کوفه و جاهای دیگر که از کوتاهی های خود درباره امام حسین (ع) به شدت پشیمان شده بودند و احساس گناه می کردند، به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی علیه دستگاه بنی امیه قیام کردند. آنان قبل از آغاز نبرد، کنار قبر امام حسین (ع) آمدند، صدا به گریه و شیون بلند کردند؛ هیچ روزی چنین گریه کنندگان برای امام حسین (ع) دیده نشد. کنار قبر آن حضرت توبه کردند و برای او از درگاه خداوند طلب رحمت نمودند، یک شب و روز در کنار قبرش ماندند و در این مدت کارشان گریه و زاری بود. در کنار قبر امام (ع) می گفتند: خدایا بر حسین شهید فرزند شهید، هدایت

یافته فرزند هدایت یافته، راست گو فرزند راست گو، رحمت بفرست. خدایا تو را شاهد می گیرم، بر این که بر دین و راه آنان هستیم و دشمن کشندگان او و دوست دار دوستان اوییم. خدایا ما فرزند پیامبرت را یاری نکردیم، اعمال گذشته ما را ببخش و توبه ما را بپذیر.این ها نمونه هایی از عزاداری خود جوش مردم برای امام حسین (ع) و اهل بیتش و واکنشی طبیعی در برابر فاجعه عظیم کربلا بوده است. این گریه ها ریشه انسانی داشته و دست هیچ قدرت و سیاستی، در آن مداخله نداشته و غیر از گریه ها و عزاداری های فردی بوده که از وجدان پاک انسانی و دین سرچشمه می گیرد و هم چنین غیر از گریه ها و عزاداری های اهل بیت عصمت و طهارت است که همیشه خود را در این مصیبت بزرگ عزادار می دانستند.

روایی

به جهت اهمیتی که حادثه کربلا در تاریخ اسلام داشته، ائمه اطهار (ع) همیشه درپی احیای آن بودند و تلاش می کردند که یاد و نام این واقعه را در تاریخ نگاه دارند، تا مجاهدان و ستم ستیزان را الهام بخشد و مظلومیت اهل بیت (ع) را در تاریخ بنماید. این تلاش در مقابل کوشش دستگاه های ستم گر حاکم، برای محو نام و یاد این حادثه عظیم بوده است. به چند روایت از ائمه (ع) برای نمونه اشاره می کنیم:۱ دعبل خزاعی می گوید: در یکی از روزهای (دهه اوّل محرم) نزد امام رضا (ع) رفتم که آن حضرت محزون و غمگین در میان اصحابش نشسته بود، وقتی که دید من رو به سوی او می روم، فرمود: آفرین بر تو ای دعبل، آفرین بر کسی که با دست و زبانش ما را یاری می کند. پس

از آن جایی از برایم در کنارش باز کرد و فرمود: دوست دارم که شعری درباره مصائب اهل بیت بخوانی چون این روزها روز حزن و اندوه ما اهل بیت و ایام شادی دشمنان ما به خصوص بنی امیه است. ای دعبل، هرکس بگرید یا بگریاند، اگر چه یک نفر را، اجرش با خدا خواهد بود. ای دعبل، هر کس برای مصیبت هایی که دشمنان برما وارد ساخته اند، اشک بریزد، خداوند او را در قیامت با ما محشور خواهد کرد و در گروه ماخواهد بود. ای دعبل، هرکس بر مصیبت های جدّ ما حسین بگرید، بی شک خداوند گناهانش را خواهد بخشید.از روایت استفاده می شود، شیعیانی که طبع شعری داشتند، در رثای امام حسین (ع) شعر می سرودند و این کارشان مورد تأیید و تشویق امام رضا (ع) قرارگرفت.۲ ریّان بن شبیب (دایی معتصم عباسی) نقل می کند که روز اوّل محرم بر ابوالحسن الرضا (ع) وارد شدم، به من فرمود: ای پسر شبیب آیا روزه داری؟ گفتم: نه.فرمود: این همان روزی است که حضرت زکریا (ع) پروردگار خود را خواند و از او درخواست ذریّه ای پاک کرد، خداوند دعای او را مستجاب نمود و فرشتگان را امر فرمود، موقعی که او در محراب نماز ایستاد، به او ندا کنند که: (إن ّاللَه یُبَشِّرُک َبِیَحْیی) خدا تو را به فرزندی که نام او یحیی است بشارت می دهد. پس هر که امروز را روزه بگیرد و خدا را بخواند خدادعای او را مستجاب می کند، چنان که دعای ایّوب (ع) را مستجاب کرد. سپس فرمود: ای پسر شبیب، محرم آن ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته، به احترام آن جنگ کردن و خون ریزی

را حرام می شـمردند و این امت نه حرمت ماه حرام را شـناختند و نه احترام پیامبر خود را نگه داشـتند، در این ماه فرزندان او را کشـتند و زنان او را اسـیر کردنـد و زنـدگی او را به غارت بردنـد، خـدا هرگز آنان را نیامرزد. ای پسـر شبیب، اگر برای چیزی گریه می کنی، برای حسـین بن علی (ع) اشک بریز، چه این که او را مانند گوسـفند سـر بریدند و نیز هیجده نفر از مردان اهل بیتش را که در روی زمین همانندی برایشان نبود، همراه او به شـهادت رساندنـد و آسـمان هـای هفت گـانه و زمین هـا بر او گریستند... ای پسر شبیب پدرم از پدرش و او از جدش روایت کرد که چون جد من حسین (ع) به شهادت رسید،آسمان خون و خـاک سـرخ باریـد. ای پسـر شـبیب، اگر برای امـام حسـین (ع) گریه کنی، به انـدازه ای که اشـک بر گونه ات روان گردد، خداونـد همه گناهـان تو را می بخشـد؛ کوچـک باشـد و یـا بزرگ، کم باشـد یا زیاد. ای پسـر شبیب، اگر بخواهی بی گناه بر خداوند وارد شوی، پس حسـین (ع) را زیارت کن و اگر بخواهی در کاخ های بلند بهشت با محمد (ص) و آلش جای گیری، پس بر کشـندگان حسـین (ع) لعنت فرست. ای پسر شبیب، اگر خوشحال می شوی که در درجات بلند بهشت با ما باشی، پس برای انـدوه ما انـدوه ناک و برای شادی ما شادباش و دوستی ما را از دست مـده...امام رضا (ع) بعد از بیان اهمیت ماه محرم و حرمت آن در دوران جاهلیت به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در این ماه اشاره می کند که بر رغم این که

مشـرکان در دوران جاهلیت برای این ماه حرمت می دانستند، افرادی که خود را مسلمان می شمردند،حرمت این ماه را رعایت نکردند و دست ناپاك خود را به خون امام حسـین (ع) و یارانش آغشته کردند. گاه امام (ع) به مقام و منزلت کسانی که برای امـام حسـین (ع) محزون شونـد و اشـك بریزنـد، اشـاره می کنـد و با بیان ارزش های معنوی، شـیعیان را به این کار تشویق می کند.۳ امـام صادق (ع) به عبـدالله بن حماد بصـری فرمود: به من خبر رسـیده که گروهی از مردان و زنان از اطراف کوفه و غیر آن در نیمه شعبان کنار قبر امام حسین (ع) می آیند و برای آن حضرت نوحه سرایی می کنند و بعضی هم در کنار قبرش قرآن می خواننـد و بعضـی کیفیت شـهادت امام حسـین (ع) و یارانش را شـرح می دهنـد و عـده ای نوحه گری می کنند. گفتم: بله فـدایت شوم، چنین است. من در بعضـی از این مجالس که فرمودید،حضور یافته ام. امام فرمود: سـتایش خدایی را که قرار داد در میان مردم کسانی را که به نزدما می آینـد و ثنای ما را می گویند و برای ما نوحه می خوانند.از روایت اسـتفاده می شود که شیعیـان اطراف کوفه، به انگیزه ایمـان دینی و برای عشق و محبت به امام حسـین (ع) و نفرت از کشـندگانش، سالیانه برای آن حضـرت در نیمه شـعبان مراسم عزاداری و مرثیه خوانی به راه می انداختنـد و به شـرح ماجرای کربلا می پرداختنـد. این خبر به گوش امـام صـادق (ع) رسـید و امام (ع) آنان را تشویق کرد و از این که داری چنین شـیعیانی است، خداونـد را مورد حمـد و ستایش قرار داد.در روایات دیگر، ائمه (ع) شاعران اهل بیت

(ع) را که در رثـای امام حسـین (ع) مرثیه می سـرودند، تشویق می کردنـد. روایات در این باره فراوان است و به جهت رعایت اختصار، به همین اندازه بسـنده می کنیم.در کنار عزاداری های خود جوش مردم و تشویق ائمه (ع) بعضـی از امامان (ع) ،مانند امام سـجاد (ع) که خود شاهد صحنه ناگوار و خون بار واقعه کربلا و ماجراهای بعد از آن بود، برای زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان و برای جلوگیری از فراموش شدن آن واقعه سالیان دراز عزادار بود و به اندک مناسـبتی اشک از دیدگانش جاری می شـد؛ ازامـام صادق (ع) روایت شـده که: امام زین العابـدین (ع) چهل سال در مصـیبت پـدرش گریه کرد، در حالی که روزها روزه دار و شب ها به عبادت بیـدار بود و چون افطار می شـد و غلام آن حضـرت آب و غـذا برابر او می نهاد و می گفت میل بفرمایید، آن حضـرت می گفت، پسـر پیغمبر گرسنه و تشنه کشته شد و پیوسته این سخن را می گفت و می گریست، تا آب و غـذابا اشـک چشـمش مخلوط می شـد، همواره به این حال بود تا از دنیا رفت. غلام آن حضـرت نقل می کنـد که روزی امام سجاد (ع) به صـحرا رفت و من از پی او رفتم، دیدم پیشانی خود را روی سـنگ ناصاف و خش گذاشته، من ایستادم و گریه و نـاله او را می شـنیدم و شـماره کردم که هزار مرتبه گفت: «لا إله َ إلاَّ اللّه حَقّاً حَقّاً لا إله َ إلاَّ اللّه تَعَبُّداً وَ رِقّاً لا إله إلاَّ اللّه إیْماناً وَ تَصْدِیْقاً وَ صِدْقاً.» سپس سر از سجده برداشت، دیدم صورت و محاسنش از اشک چشمش تر شده. گفتم: ای مولای

من، آیا اندوه شما پایان ندارد و گریه شما خاتمه پذیرنیست؟ فرمود: وای بر تو، یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم پیامبر و پیامبرزاده بود و دوازده پسر داشت، خداوند یکی از پسران او را از نظر او دور کرد، از فشار اندوه، موهای او سفید و ازغم کمرش خمید و از گریه دیدگانش نابینا گردید، در صورتی که پسرش زنده بود، ولی من به چشم خود دیدم که پدر و برادر و هفده نفر از اهل بیتم کشته شده و بر روی خاک افتاده اند، پس چگونه غم و اندوه من تمام شود و گریه من کم گردد.امام سجاد (ع) که از نسل اوّل واقعه کربلاـ بود، آن چنان متأثر از این واقعه بود که نمی توانست آن را فراموش کند و همواره مسئولیت حفظ نام و یاد آن واقعه را بر دوش خود احساس می کرد و همیشه با رفتار و اعمالش سعی در احیای نام و یاد شهیدان کربلا داشت، تا به مرور زمان گرد و غبار فراموشی، بر روی آن ننشیند.

فلسفه، آثار و فواید عزاداری

اشاره

عزاداری برای امام حسین (ع) و دیگر شهیدان کربلاـ دارای حکمت ها و آثار و فوایدی است که به آن معنا و اهمیت می بخشد. بدون در نظر گرفتن آن ها عزاداری چون جسم بی روح و قالبی میان تهی و بی معنا خواهد بود. همه تأکید ائمه (ع) بر عزاداری و مخالفت دشمنان با آن برای همین حکمت ها و آثار و فواید است که بعضی از آن ها را بر می شمریم:

اعلام طرفداری از ستمدیده

یکی از آثار عزاداری، اعلام حمایت و طرف داری از ستم دیده است. کسی که درعزای مظلومی شرکت می کند و بر مظلومیت او اشک می ریزد، با این کارش می خواهد بگوید، من به هدف و خط مشی مظلوم ایمان دارم و راه و کار او را تأیید می کنم. این چیزی است که در همه مکتب ها وجود دارد، یعنی، طرف داران هر مکتب برای کسی که در جهت حفظ و احیای آن مکتب جان فشانی کردند، احترام می گذارند و کارش را تحسین می کنند و مراسمی به یاد بود او برقرار می کنند و اگر بتوانند تندیس او را در مراکز مهم شهرها بر پا می دارند. این همان تولّا یا دوست داشتن صاحبان مکتب و فداکاران در راه آن است که در اسلام نیز بر آن تأکید شده و عزاداری برای شهیدان کربلا این نکته را برمی تاباند. بر اساس اصل تولّا، بین طرف داران یک مکتب پیوند ایمانی برقرار می گردد، به طوری که اگر یک نفر از آنان دچار مشکل شود، دیگران واکنش کرده و به حمایت از او برمی خیزند و این نشان دهنده جهت مثبت عزاداری است.

اعلام بیزاری از ستمگر

عزاداری علاوه بر این که دارای بُعد مثبت؛ یعنی، اعلام طرف داری از ستم دیده است، دارای بُعد نفی و طرد؛ یعنی، نفی ستم گر و بیزاری از کارهایش نیز هست. کسی که در عزای شهیدی شرکت می کند، با این عملش می خواهد اعلام کند که من از ستمگر و کشنده شهید بیزارم و در خط ستم گر نیستم. مکتب و اهداف او مورد قبول من نیست. این دو اصل (تولّا و تبری) نشان دهنده جاذبه و دافعه یک جامعه و حاکی از سر زنده بودن وحیات

آن است. بنابراین، عزاداری برای شهیدان کربلا نشان از حیات انسانی و معنوی جامعه با ایمان دارد.

یاد حادثه در قالب سنت

آثار تأکید بر عزاداری در روایات و برقراری سالیانه آن، یاد حادثه در قالب سنت است، زیرا به صورت مراسم و سنت سالیانه در آمدن روح آن واقعه را هم چنان باقی و الهام بخش نگاه می دارد. این مسئله چیزی است که در تمام ملت ها به انواع گوناگونی وجوددارد. برقراری مراسم سالیانه اعیاد، جشن پیروزی، جنگ ها، ولادت شخصیت های مهم،برقراری یاد بودها به مناسبت فاجعه های دردناک و... همه درباره عمل به این اصل است.اگر یاد بود حادثه ای به صورت سنت درآید و در خلق و خوی مردم نفوذ نماید و به صورت یک عادت اجتماعی بشود، ضرورتاً خود به خود جامعه به سمت آن می رود و هنجارها و رفتارهای اجتماعی بر اساس آن شکل می گیرد.روایاتی که درباره عزاداری برای امام حسین (ع) وارد شده را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته روایاتی که در پی سنت سازی هستند، یعنی یاد حادثه در آغاز کار قرار دارد و هنوز به صورت سنت در نیامده، در این صورت، ائمه (ع) می کوشیدند تا آن را به صورت یک سنت اجتماعی درآورند تا در طول قرون و اعصار تداوم یابد؛ دسته ای دیگر در تأکید بر این سنت است، یعنی عمل کم و بیش به صورت سنت درآمده و ائمه (ع) در تقویت آن می کوشیده اند و آن را با رفتار و گفتار خود تأیید می نموده اند.

انتقال فرهنگی

از آثار برقراری مراسم عزاداری، انتقال فرهنگی از نسلی به نسلی و از عصری به عصر دیگر است؛ یعنی، برقراری سنت عزاداری، علاوه بر این که باعث حفظ اصل حادثه تا زمان حاضر می شود، همین طور باعث انتقال پیام ها و ارزش های آن به نسل های آینده می شود. کودکان

در مراسم عزاداری شرکت می کننـد و آن را از پـدران خود دریافت می کنند و بار انتقال آن را به دوش می کشـند، و سپس آنان نیز به فرزنـدانشان، منتقل می کننـد و همین طور ادامه می یابـد تا به صورت یک ضـرورت اجتماعی در آیـد و نسل ها از لحاظ فرهنگی به هم پیوند بخورند و از انقطاع فرهنگی جلوگیری شود.

تقویت روحیه دینی

برقراری مراسـم عزاداری و شـرکت در آن بـاعث تقـویت روحیه دینی در جـامعه و سـبب پیونـد و ارتبـاط دینی افراد بـا مراکز مذهبی و عالمان دینی می شود. به این وسیله، گرد و غبار و ضـعف و سـستی هایی که به جهت اشـتغال به کارهای روزمره بر آیینه جـان می نشیند و ارتباطات معنوی را سـست می نمایـد، زدوده می شود. شـرکت در این گونه مراسم، به تزکیه معنوی و رشـد بُعـد الهی و انسانی افراد می انجامد و چه بسا، افراد فاسد و گنه کار که با شـرکت در این مراسم، دچار تحول معنوی می شوند و از کارهای ناپسند خود دست بر دارند و در مجموع، از جرایم و جنایات در جامعه کاسته شود.

الگودهی

از آثـار مهم و مثبت برقراری سـنت عزاداری، الگـو دادن به جـامعه است. هرجـامعه ای نیازمنـد به الگوست، همـان طور که هر فردی این نیـاز را در خود احسـاس می کنـد؛چه، این که هم جامعه و هم فرد به کمال میل دارنـد و خود را در حال دگرگونی شـدن می یابنـد و هر دگرگونی و سـاخته شـدن، نیـاز به الگو دارد تـا بر اسـاس آن جهت گیری شود وخود را بسـازد. از آثار برقراری مراسم عزاداری، ارائه الگوی صـحیح به جامعه و فرد است،زیرا در این گونه مراسم ها از فداکاری، جانبازی و خصلت های نیکوی قهرمانان کربلا گفته می شود و شـرکت کننـدگان هم آگاهانه یا نا آگاهانه از رفتار و خلق و خوی آنان متأثر می شوند و تلاش می کنند تا همانند آنان ساخته شوند. البته هر کس به اندازه سعی وتلاش خود در این جهت موفق می شود.

آموزش معارف دینی

از آثـار مهم و مثبت مراسم عزاداری، آموزش معـارف دینی به مردم توسـط واعظـان و عالمـان دینی است. سـخن رانان در این مراسم به بیـان احکام و معارف دینی می پردازنـد؛از نماز، روزه، حـج، خمس، زکات، مسائل خانوادگی و اخلاق، صـله رحم، ترحم به همدیگر و رسیدگی نسبت به بی نوایان و معارف اسلام می گویند و مردم را با گفتار خویش به سوی آشنایی و عمل به معـارف دینی سـوق می دهنـد. راسـتی، اگر این گـونه مراسم هـا، نبود، چگونه ممکن بود که این جمعیت را به مراکز دینی بیاورند و آنان را به معارف دینی آشنا سازند؟

مانور معنوی سیاسی

از آثار مهم مراسم عزاداری برای شهیدان کربلا، نمایش قدرت معنوی و سیاسی جامعه پیرو اهل بیت: است. پیروان امام حسین (ع) بـا اجتمـاع خود طرف داری و همبسـتگی شـان را بـا امـام (ع) به همگان نشان می دهنـد و به همه می فهماننـد که ما ادامه دهندگان راه آن حضرتیم و با هم بر محور دوستی و طرف داری از امام حسین (ع) متعهد و منسجم هستیم.

استفاده از اهرم و قدرت مظلومیت

یکی از اهرم های قـدرت، مظلومیت است. مظلوم و طرف دارانش، می تواننـد با اسـتفاده از این قدرت، افکار عمومی را به نفع خود جلب نمایند و علیه ظالم بشورانند و اهداف خود را با تکیه بر آن، به پیش ببرند. برای قدرت نهفته در اهرم مظلومیت، چه بسا افراد ناباب با صحنه سازی سعی می کنند که خود را مظلوم نشان بدهند، تا افکار را به سمت خود متمایل سازند.می دانیم که امام حسین (ع) و یارانش، مظلومانه در کربلا به شهادت رسیدند، بی آنکه هیچ گناهی جز دفاع از دین، سنت پیامبر (ص) ، عزت و شرف مسلمانان داشته باشند. عزاداری برای آن بزرگواران رسانـدن پیام مظلومیت آنان، به همه کسانی است که از حقیقت ماجرا بی خبرند، تا به این وسیله افکار عمومی جامعه علیه دستگاه ظالم جهت گیری شود.

تلطیف روح انسانی

از آثار مثبت عزاداری، تلطیف روح انسانی است، زیرا کسـی که در این مراسم شـرکت می کنـد و بر مظلومیت شـهیدان کربلا اشک می ریزد در پایان از کار خود احساس رضایت قلبی می کنـد و حس ٔ لطافت و پاکی و زدوده شـدن بارغم و اندوه به او دست می دهـد و نسبت به هم نوعان خود حالت صـمیمی پیـدا می کنـد، حتی از بار عقـده ها و مشـکلات درونی خودش نیز کاسته می شود و سختی های زندگی که واقعیتی انکار ناپذیرند، برای او بهتر تحمل کردنی می شود.

هم بستگی دینی و اجتماعی

از آثـار مثبت مراسم عزاداری برای شـهیدان کربلاـ این است که افراد معتقـد ومؤمن، بر محور امامت، شـهادت و دین، دور هم جمع می شوند، دسته ها و گروه هایی راتشکیل می دهند و به این وسیله هم بستگی دینی بین مردم تقویت می شود. تشکیل هیئت هـای مختلـف و دسـته هـا در ایـام عزاداری مـوجب مـودّت و نزدیکی بین افراد جـامعه می گردد، شـور و شـوق مـذهبی بسیاری به خصوص در میان جوانان، نوجوانان و کودکان به وجود می آورد. این هیئت ها و دسته ها، نقشی همانند احزاب در جامعه های مدنی ایفا می کند و جانشین شایسته ای برای احزاب و بلکه بهتر و بالاتر از آنهاست، زیرا اتحاد در احزاب عمدتاً بر اساس منافع سیاسـی و مادی پدیـد می آیـد، ولی در هیئت ها و دسـته های عزاداری بر محور دین و معارف دینی شکل می گیرد.

منافع مادی

از آثـار مثبت مراسم عزاداری، فوایـد مـادی آن است، چنان که در این گونه مراسم ها،معمولاً افراد نیکوکار به اطعام عزاداران می پردازند که قهراً چیزی هم نصیب نیازمندان واقعی می شود؛ مشکلات نیازمندان مطرح و در رفع آن اقدام می گردد و پول هـایی برای سـاختن یـا تعمیر مسـجد و خریـد وسایل لازم مراکز دینی و یا برای رفع نیازمنـدی های مسـتمندان جمع آوری می شود. در حقیقت این گونه مراسم هـا نمودی از مشـارکت اجتمـاعی مردم برای رفع مشـکلات اقتصادی و اجتماعی برای اطلاع آنان از اوضاع و شناخت بهتر همدیگر و تألیف و تقریب دل ها نسبت به یکدیگر است.

احیای ارزش ها و پیام های عاشورا

از آثـار مهم عزاداری احیـا و ترویـج ارزش هـا و پیام هایی است که در نهضت کربلا نهفته است. عزاداران سـعی می کننـد، به

اندازه همت خود، آن ارزش ها را دارا شوند و از پیام ها درس بگیرند و جامعه را نیز به سمت آن ارزش ها سوق دهند.تبیین و تحلیل همه ارزش ها و پیام ها، بحثی مستقل است که نوشتاری جداگانه را می طلبد، ولی برای نمونه، به بعضی از آن ها تحت عنوان ارزش ها و پیام های عاشورا اشاره می شود.

ارزش ها و پیام های عاشورا

عزت نفس

یکی از ارزش های قیام عاشورا، عزت نفس و ذلت ناپذیری است؛ وقتی که امام بین دو پیشنهاد بیعت با دستگاه حاکم و یا جنگ و کشته با عزت قرار می گیرد، جنگ را برمی گزیند و زیر بار ذلت که همان بیعت با دستگاه حاکم است، نمی رود. امام با صدای بلند در روز عاشورا اعلام می کند: «ألا و إنَّ الدَّعِیَّ ابْنَ الدَّعِیِّ قَدْ رَکَزَ بَیْنَ اثْنَتَیْنِ بَیْنَ السَّلَّهِ وَالذَّلَّهِ وهَیْهاتَ مَنَّا الذِّلَّه؛ آگاه باشید که زنازاده پسر زنا زاده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیّر کرده، یا با شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلّت بپوشم و با یزید بیعت کنم، ولی ذلت از ما بسیار به دور است.»

غیرت دینی

از ارزش ها و پیام های عاشورا غیرت دینی است. اگر کسی غیرت ملی داشته باشد،در برابر توهین به ملت خود آرام نمی گیرد و از آن دفاع می کند، و اگر غیرت نژادی داشته باشد اهانت به نژاد خود را تاب نمی آورد و اگر غیرت ناموسی داشته باشد، نمی گذارد بیگانه نظر بدی به حریمش بکند، و همین طور اگر کسی غیرت دینی داشته باشد، به هیچ وجه نمی تواند شاهد هتک حرمت دین و زیر پا گذاشتن مقررات آن و به خطر افتادن هستی آن باشد. او حاضر است که از جان خود برای حفظ دین مایه بگذارد. این غیرت دینی امام حسین (ع) بود که اجازه نمی داده تا شاهد به خطر افتادن دین اسلام باشد و این چنین او را ناآرام کرده بود و هیچ توجیهی را که صاحب نظران عصر بر او عرضه می کردند، برای خود قانع کننده نمی دانست.

موج شکنی

از ارزش ها و پیام های عاشورا، موج شکنی و حرکت بر خلاف موج دنیا گرایی در جامعه است؛ به این معنا که جامعه آن روز، دست خوش موج دنیاگرایی و دور شدن از ارزش های اسلامی بر پی خاندان بنی امیه به راه افتاده بود. بزرگان و شخصیت های بسیاری بودند که یا از روی ترس و یا به طمع دنیا و یا مصلحت گرایی و یا از روی جهالت به توجیه وضع موجود می پرداختند و همانند کاهی روی موج آب، هماهنگ با جریانش حرکت می کردند، ولی امام (ع) و یارانش خود را تسلیم جریان دنیاگرایی نکردند و در برابرآن ایستادند و از این دفاع کردند. این درسی برای همه آزادمردان است تا خود را اسیر امواج انحرافی جامعه نکنند و در

برابر آن بایستند و از ارزش های معنوی دفاع کنند.

ترجیح مکتب بر خود

آن جا که هستی مکتب به خطر می افتد، باید جان را سپر بلای آن کرد، و از دین حمایت کرد، این درس را قیام عاشورا به مسلمانان می دهد. هنگامی که تعارض بین حفظ دین و جان پیش آید، باید دین را ترجیح داد و جان را فدا کرد.بر خلاف آنچه بعضی ها می گویند که بنابر هیچ اصلی شایسته نیست، انسان جان خود را به خطر اندازد، زیرا انسان بر هر اصلی مقدم است، قیام امام حسین (ع) این پیام رادارد که اصل دین همه ارزش های انسانی و الهی را در بر می گیرد و بر انسان مقدم است.

آزادمردی

از پیام های نهضت عاشورا که جنبه فرا ملیتی هم دارد، آزادمردی است. وقتی که لشکریان عمربن سعد، بین امام (ع) و خیمه گاهش که محل استقرار زنان و کودکان بود،حایل شدند اهل حرم را مورد تهدید قرار دارند، امام (ع) با همان حال دشواری که داشت،خطاب به لشکریان فرمود «وَیْلَکُم یا شیعَه آل ِ أبی سُفیان ِ إن لَم یَکُن لکم دین وَ کُنتُم لاتَحافون المَعادَ فکُونُوا احراراً فَی دُنیاکُم»؛ و ای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان، اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید دست کم در دنیای خود آزاد مرد باشید.» در همان وضع در برابر دشمن بی اینکه بیمی از دشمن به خود راه بدهد، به نماز می ایستد.در این سخت امام (ع) می خواهد بفرماید که جنگ هم برای خود قانونی دارد.بی گناهان و آنانی که در جنگ شرکت ندارند، به خصوص زنان و کودکان، نباید آزار و اذیت بشوند.حمله به آنان خلاف جوان مردی و انسانیت است. حتی اگر کسی دین هم ندارید و آخرت را باور نمی کنید، این نکته را دریابید

و به این اصل انسانی و آزاد مردی پای بند باشید.

اهمیت دادن به نماز

از ارزش ها و پیام های عاشورا، اهمیت دادن به نماز، آن هم در اوّل وقت است.هنگامی که یکی یاران امام (ع) به نام ابوثمامه صیـداوی روز عاشورا در بحبوحه جنگ امام (ع) را به یاد نماز می انـدازد، امام (ع) برای او دعا می کند و می فرماید: «خدا تو را رحمت کند» در همان وضع در برابر دشمن بی این که بیمی از دشمن به خود راه بدهد، به نماز می ایستد.

شجاعت

شجاعت در نبرد با دشـمن و در میـدان جنگ، از پیام های عاشوراست. علاوه بر اینکه خود امام (ع) فردی شـجاع بود و با همه زخم هایی که بر او وارد شده بود، چون شیر غّران به صـفوف دشـمن حمله می کرد و افراد دشـمن چون ملخ از جلوی او فرار می کردند، یاران او نیز افرادی شـجاع بودند؛ درباره عابس نقل می کنند که وقتی به میدان نبرد آمد و مبارزه می طلبید، کسی جرئت مبارزه با او را نکرده و او که دشـمنان را این قدر زبون و ترسو یافته بود، از روی شجاعت زره و کلاه خود، را از تن در آورد و بی لباس جنگی، به صف دشمن حمله کرد.

وفاداری به امام

از ارزش هـا و پیام های عاشورا، وفاداری به امام و رهبر و حمایت از او تا آخرین نفس و آخرین قطره خون است: شب عاشورا امـام حسـین (ع) طی خطبه ای از همراهـان خواست او را تنهـا بگذارنـد، چون دشـمن فقـط بـا او کـار دارد، ولی هیـچ یک از همراهان آن شب امام را ترک نکردنـد، بلکه هر کدام در برابر امام، اظهار وفاداری و آمادگی برای کشـته شدن در رکاب آن حضـرت را کردند؛ یکی از یاران آن حضـرت به نام زهیر بن قین اظهارداشت: به خدا قسم پسـر پیغمبر، دوست داشتم هزار بار کشته و باز زنده شوم تا خداوند تو و برادران و فرزندان و اهل بیت تو را زنده بدارد.

نظم و انضباط

از پیام های عاشورا، رعایت نظم و انضـباط است حتی در آن جایی که امیدی به مؤثر بودن آن نیست. روز عاشورا امام حسـین (ع) یـاران انـدک خود را مرتب و منظم کرد و به آنـان آرایش جنگی داد. زهیر بن قین را در میمنه سـپاه قرار داد و حـبیب بن مظاهر را در میسـره سـپاه گماشت و پرچم جنگ را به دست برادرش عباس (ع) داد و خود در قلب لشـکر قرار گرفت. خندقی پشت خیمه ها حفر کرد و آتش در آن بر افروخت، تا دشمن از آن سمت به خیمه حمله نکند.

رعایت اصول انسانی حتی نسبت به دشمن

از ارزش های عاشورا، رعایت اصول انسانی درباره دشـمن است. هنگامی که امام حسین (ع) به سمت کوفه در حرکت بود در نزدیکی هـای کوفه در منزل اشـراف بـا لشـکر هزار نفری دشـمن، به سـرکردگی حرّ مواجه شـد. برای رفع تشـنگی آنـان، امام حسین (ع) به همراهانش دستور داد تا آبی که به همراه دارند، به سپاهیان حرّ بدهند تا تشنگی شان برطرف شود.

توبه پذیری و گذشت

از پیام های عاشورا توبه پذیری و قبول عذر از توبه کننده است. وقتی که دشمن به اشتباه خود پی برد و در صدد جبران خطاهای خود برآمد، امام حسین (ع) راه بازگشت را به سوی او باز گذاشت و توبه اش را پذیرفت. روز عاشورا حرّ به اشتباه خود پی برد، لذا از لشکریان عمر سعد جدا شد و به امام حسین (ع) پیوست. در تاریخ آمده است، وقتی که حرّ نزد امام (ع) رسید: «از اسب پیاده شد. سرش را پایین انداخت و پای امام حسین (ع) را بوسیده گریه سختی کرد. امام حسین (ع) فرمود سرت را بالا- بیاور ای شیخ! حرّ سرش را بالا- آورد، عرض کرد: ای مولای من، من بودم که تو را از بازگشت منع کردم. ای مولای من، من نمی دانستم که این قوم با تو چنین خواهند کرد و حال نزد تو آمده و از آنچه کرده ام، توبه می کنم و جانم را فدایت می کنم. آیا توبه ام نزد پروردگار قبول است؟ امام حسین (ع) فرمود: اگر توبه کنی، خداوند توبه ات را می پذیرد و تو را می بخشد. او ارحم الراحمین است.»

عشق به دعا و مناجات

از پیام های عاشورا عشق و علاقه وافر به مناجات و راز و نیاز با خداوند است. عصرروز نهم محرم بر اساس دستوری که از ابن زیاد به عمرسعد رسید، وی مأمور شد که در همان عصر کار را یک سره کند، لذا سپاه عمر سعد، به فرمان وی به سوی قرارگاه امام حسین (ع) به حرکت درآمدند. امام حسین (ع) از برادرش عباس (ع) خواست تا به سوی سپاه دشمن برود و از آنان بپرسد، برای چه به حرکت درآمدند؟ چه

مسئله ای پیش آمده است؟ عباس (ع) نزد سپاه دشمن رفت و از آنان پرسید، چه مسئله ای پیش آمده است. آنان گفتند که فرمان از ابن زیاد رسیده که الان امام حسین (ع) یا باید بعیت کند ویا بجنگد. عباس (ع) پیام را به امام (ع) رساند. امام حسین (ع) فرمود، از آنان بخواه یک امشبی را به ما مهلت بدهند تا در این شب نماز بخوانیم و دعا کنیم و به درگاه خداوند استغفار نماییم. او می داند که من نماز خواندن و تلاوت قرآن و کثرت دعا و استغفار را دوست دارم.ارزش ها و پیام های دیگری در نهضت امام حسین (ع) نهفته است، مانند وفا،کرامت، شرافت، ایثار، محبت، استقامت، عشق به شهادت، و... که به شرح آن ها نپرداخته و به آنچه به برای نمونه ذکر شد، بسنده می کنیم. عزاداری برای امام حسین (ع) یعنی احیا و ترویج این ارزش های متعالی در جامعه. مجالس عزاداری به انسان ها درس شهامت، شهادت، کرامت، محبت، انسانیت، عزت، ایثار، وفا، آزادگی و ستیز با ظلم و ظالم می دهد و هین مسائل است که بر پیروان اهل بیت (ع) الزام می کند که هر ساله بر رونق و شکوه این مراسم که حقیقتاً دانشگاه انسان سازی است، بیفزایند تا جان و روحشان را از ارزش های عاشورا سیراب نمایند.

پرسش ها و پاسخ ها

آیا عزاداری ساخته سیاست دیلمیان و صفویان است؟

۱ بعضی ها می گویند: «بنای تعزیه را روزگاری دیلمیان و صفویان به اقتضای پولیتیکای خودشان رواج دادند. آن سبب حال رزمیان رفته، اما به هر کجا که می روی،تعزیه بر پاست، مگر مصیبت و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزار ساله، اوقات خود را دائماً تلخ بکند و به جهت عمل بی فایده، از کسب و

کار باز بمانـد. از این تعزیه داری اصـلاً نه برای تو فایده ای است و نه به جهت امام (ع) ».پاسخ ۱ اگر منظور نویسنده از تعزیه، شبیه خوانی باشـد که این خود نوعی از هنر جـذاب است، و اگر آمیخته با دروغ و خرافات نباشد، کاری مفید خواهد بود، زیرا که صـحنه کربلاـ و مـاجرای آن را تماشـاگران مجسم می کنـد و تـأثیر فراوانی بر آنـان می گـذارد. چنان که گویا خود را در صحنه عاشورا حاضـر می بینـد. چنان که گویا خود را در صـحنه عاشورا حاضـر می بیند و روشن است که بسیار از آثار مثبت عزاداری که بر شـمردیم، بر این گونه از مراسم نیز بـار خواهـد بود، امـا اگر منظور از تعزیه، عزاداری به معنای ذکر مصـیبت و گریه باشد،تاریخش به شـهادت امام حسـین (ع) بر می گردد و از فردای شـهادت امام حسـین (ع) پایه گذاری شده که به چند نمونه از شواهـد تـاریخی و تأکیـد روایـات بر آن اشاره شـده است. البته ممکن است در زمان دیلمیان و یا صـفویان این مسـئله رواج بیشتری یافته و در نتیجه از نظم و ترتیب و شـکوه و جلال خاصـی برخوردار شده است. این بدان جهت بوده که تا قبل از آن زمـان بر مبنای تشیع حکومتی تأسـیس نشـده، ولی با به روی کار آمـدن حکومت شـیعه، انجام این مراسم که قبل از آن به طور مخفی و غیررسـمی برگزار می شـد به صورت علنی رسـمیت یافت و چون حکومت از آن پشتیبانی می کرد دارای نظم و آداب خاصـی گردیـد. این هرگز به این معنا نیست که اصل این مراسم ساخته و پرداخته دست سیاست و حکومت هاست.۲ با توجه

به آنچه در مورد آثار عزاداری و حکمت های آن گفته شده و آثار مثبت فراوانی اعم از مادی، معنوی، اجتماعی، فردی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی برای آن شمرده اند، روشن می شود که این سخن چقدر بی اساس است، زیرا کسی نمی گوید که این مراسم، فایده ای برای شخص امام حسین (ع) دارد، بلکه تمام آثار مفید آن، در مجموع به خود جامعه بر می گردد که اگر به درستی از آن بهره برداری شود، بی شک مدینه فاضله ای خواهیم داشت.۳ برقراری مراسم عزاداری با توجه به آثار بیان شده، اوقات تلخ کردن نیست،بلکه درس گرفتن از مکتب عاشورا و ترویج ارزش های آن در جامعه و تجدید روحیه دینی و معنوی و حرکت سیاسی و هم بستگی اجتماعی و آگاهی به معارف دین و... خواهد بود.گرچه به یک معنا اوقات تلخ کردن هم باشد، چه اینکه اوقات ستم گران، دیکتاتوران،استعمارگران، وابستگان به استعمار و روشنفکر نمایان از مشاهده این مراسم انسان ساز تلخ می شود.

آیا عزاداری ارضای حس خون خواری نیست؟

بعضی ها می گویند: «در کشور مسیحی، در هر کوی و برزن، در هر گوشه و کنار،پیکره ای از مسیح (ع) را بر صلیب می بینید که از بدن او خون روان است. چه تعمدی است که این حادثه را که دو هزار سال پیش روی داده، هر روز و هر لحظه و در هر گذر از نو زنده سازند و در انظار همگان بگذارند. آیا این ارضای حس ِخون آشامی انسان ها نیست؟ بسیاری از مراسم مذهبی دیگران نیز از این قبیل است، مانند کاهنان بودایی که خود را در آتش می سوزانند و تیغ زنی و سینه زنی و نظایر آن.»پاسخ ۱ دفاع از عمل مسیحیان و مراسم بودائیان را

اگر دفاعی داشته باشند به خودشان واگذار می کنیم و اما مسئله سینه زنی ارتباطی به ارضای حس ِخون آشامی ندارد، بلکه از عواطف و احساسات انسانی سرچشمه می گیرد. توضیح این که وقتی مصیبتی سنگین بر انسان وارد می شود، به طور طبیعی گریه می کند، ناله و شیون سر می دهد و به سر و صورت خود می زند. این یک واکنش طبیعی و پیش بینی شده برای انسان در برابر حوادث ناگوار است که البته برای تخلیه فشارهای روحی و کاسته شدن با رغم و اندوه مفید است. جامعه ما که برای امام حسین (ع) عزاداری می کند و در عزای آن حضرت سینه می زند، می خواهد خود را شبیه به مصیبت دیدگان اصلی درآورد و در غم آنان خود را شریک نماید. روشن است که اظهار هم دردی از سوی دیگران، یکی ازنیازهای طبیعی و روحی انسان های مصیبت دیده است. انسان مصیبت دیده وقتی می بیند که دیگران در غم او شریکند و همانند او اشک می ریزند و به سر و سینه می زنند و یا چهره ای حزن آلود گرفته و لباس سیاه برای هم دردی به تن کرده اند، دلش تسلّی می یابد و از بار غم او کاسته می شود، زیرا دیگران هم با اظهار هم دردی، سهمی از بار غم او را به دوش می کشند. سرچشمه سینه زنی چنین است نه آن که ارضای حس ِخون آشامی باشد.۲ بر فرض که چنین حسّی در انسان وجود داشته باشد و سینه زنی هم هیچ مبنایی جز ارضای این حس نداشته باشد، خواهیم گفت که بعضی از کارهاست که موجب تخلیه این حس می شود. هم چنان که روان شناسان و علمای علوم تربیتی معتقدند که از جمله

فواید ورزش، تخلیه حس ّجنگ طلبی و ستیزه جویی است. آنان می گویند که بشر ذاتاً ستیزه جو و جنگ طلب است و از آن جا که ارضای این حس ّنمی توانـد، بی مانع باشـد (زیرا موجب اختلال نظام جامعه و جنگ ویرانی می شود) لازم است که از راه های دیگر که ضرری به جامعه نمی رساند، این حس ارضا شود بهترین راه و سالم ترین آن، رقابت های ورزشی است که سبب تخلیه حس ّستیزه جویی و تلطیف روانی جامعه می شود. اگر این سخن، صحیح باشد چه اشکالی دارد که یکی از راه های تلطیف روح انسان مراسم عزاداری و سینه زنی باشد.آنچه در این جا می توان اضافه کرد، این است که اگر سینه زنی را گونه ای خود زنی بدانیم، باید پرسید، مگر همه خود زنی ها بد است؟ مثلاً در مراسم جشن و شادی، افراد کف می زنند و معلوم است که کف زدن نوعی خود زنی است. اگر ایراد کننده بگوید که خندیدن و کف زدن، تخلیه هیجان های پدید آمده از شادی است می گوییم که سینه زنی و گریه کردن هم تخلیه هیجان های ناشی از احساس غم و اندوه است. هر توجیه و تفسیری که در مورد شادی ها گفته شود، در مورد غم و اندوه ها هم به گونه ای می توان گفت.

آیا گریه کردن و اشک ریختن نشانه ضعف نیست؟

جواب: این طور نیست که گریه کردن و اشک ریختن به طور کلی، نشان ضعف و زبونی باشد؛ چه اینکه گریه را به لحاظ سرچشمه هایش انواع و اقسامی است.۱ گریه مصیبت آن گاه که مصیبتی بر انسان وارد شود و عزیزی را از دست بدهد، در این صورت،قلبش می شکند، حالش منقلب و اشک از چشمانش جاری می شود. این یک واکنش طبیعی است که انسان

در مصیبت ها از خود بروز می دهد.۲ گریه ندامت گاهی گریه انسان برای ندامت و پشیمانی است، زیرا شاید انسان مرتکب اعمالی شود که با کمال و جای گاه انسانی او در تضاد باشد. بعد از ارتکاب عمل بر اثر فشار وجدان دینی و انسانی از کار خود پشیمان می شود و به درگاه خداوند و یا کسی که در حق او ظلم کرده می آید و ابراز ندامت می کند و گاه اشک می ریزد و تقاضای عفو و بخشش می کند.۳ گریه شوق گاهی هم گریه و اشک برای این است که نعمتی پیش بینی نشده، به انسان رسیده و یا با عزیزی که مدت بسیاری او را ندیده، دیدار کرده و یا به موفقیتی مهم نایل شده، در چنین مواردی و مانند آن از شدت شوق و خوش حالی، اشک از چشمانش جاری می شود.۴ گریه نوع دوستانه مثل آن که شخصی با خبر می شود که انسان هایی دست خوش بلاهای طبیعی؛چون زلزله، سیل، آتش فشان، قحطی و... شده اند. وی با مشاهده صحنه های دل خراش و دیدن چهره مصیبت زده ها، به خصوص کودکان، از نزدیک یا از رسانه های گروهی،ناخودآگاه اشک از چشمانش جاری می شود و عواطف او به جوش می آید.۵ گریه کمک خواهانه گاهی انسان، به جهت نداشتن ابراز لازم، برای اعلام خواسته خود و دست یابی به آن می گوید، تا وضعیت خود را اعلام کند و نظر حمایت گرانه دیگران را به خود جلب نماید؛ مانند طفل که برای اعلام وضعیت و نیاز به پدر و مادر خود گریه می کند، زیرا او وسیله ای غیر از گریه برای ابراز وضعیت خود و رسیدن به خواسته اش ندارد. بعضی از بزرگسالان نیز، برای جلب توجه و

محبت دیگران به خود، گریه می کننـد. گاهی هم به جهت کاربرد نداشـتن ابراز، می گویند؛ مثلاً، در رابطه انسان با خدا هیچ وسیله ای جز اشک و آه کاربرد ندارد، همان طور که امیر مؤمنان (ع) در دعای کمیل به خدا عرض می کند:«إرْحَم مَن رَأس مالِه الرَّجا و سِلاحُه البُکاءُ؛ خدایا! به کسی که سرمایه اش امید وسلاحش گریه است، رحم نما.»با توجه به انواع گریه و علت هـای آن روشن می شود که اشـک ریختن، همیشه نشـان از ضـعف و ناتوانی نیست، بلکه غالباً واکنش طبیعی انسان در اوضاع خاص است و این اوضاع گاهی شادی بخشـند و زمانی حزن آور.گریه ای که عزاداران برای امام حسـین (ع) می کننـد، هم از حس نوع دوسـتانه سرچشمه می گیرد که جنبه حمایت عاطفی از مظلوم دارد و هم از مصیبتی است که بر شخص گریه کننده وارد شـده است، زیرا انسـان عزادار مصـیبت هـایی را که بر امـام حسـین (ع) وارد شـده، مصـیبت خود می دانـد و همین انسان عزادار که اشـک می ریزد،چه بسا حاضـر است که جان خود را برای امام حسـین (ع) فـدا کننـد و در برابر دشـمنان آرمان آن حضـرت بایستد. بنابراین، گریه او نشان از ضعف و زبونی نیست. گریه ای که توابین در سال ۶۵ هجری برای امام حسین (ع) کردنـد، هم از حس نوع دوسـتانه برخوردار بود و هم از حس نـدامت، و در عین حـال، تا آخرین قطره خون در برابر دسـتگاه بنی امیه مقاومت کردند.

آیا هیچ آفتی عزاداری را تهدید می کند؟

جواب:مع الاسف، جواب این پرسـش مثبت است و این سنت مهم و سازنده را، آفاتی تهدید می کند که به اهم آنها اشاره می شود:۱ موضوعیت یافتن از آفت هایی که سنت عزاداری را تهدید می کند، این است

که از محتوا خالی شود و جنبه موضوعیت پیدا بکند، به این معنا که برگزارکنندگان، برای نشان دادن چهره مذهبی از خود و یا برای رقابت با مسجد یا هیئت دیگر، اقدام به برقراری مراسم کنند. در این صورت، جنبه آدابی مراسم، بر جنبه واقعی و لازم آن پیشی می گیرد و چندان اثر تربیتی،سیاسی و فرهنگی و... بر آن بار نخواهد شد، جز این که باعث سرگرمی و گذراندن عمر شود. بنابراین، برای جلوگیری از این آفت، توجه بیشتر به جنبه ابزاری و کاربردی مراسم که روح آن را تشکیل می دهد، لازم می نماید تا جنبه سازنده آن حفظ شود و آثار مثبتی برآن بار گردد و به عنوان یک عادت صرف اجتماعی با آن برخورد نشود، زیرا عملی که به صورت عادت در آید، خالی شدن از محتوا آن را تهدید می کند.۲ برداشت منفی از عزاداری از آفت هایی که مراسم عزاداری را تهدید می کند، برداشت منفی از مراسم عزاداری است؛ یعنی از مظلومیت و گرفتاری هایی که برای امام حسین (ع) و اهل بیتش آمده، چنین نتیجه بگیریم که پس ما که رهرو او هستیم، باید کاری بکنیم که مظلوم واقع شویم. به دنبال گرفتاری بگردیم و از آن خوشمان بیاید و یا اگر ستم گری آن را بر ما تحمیل کرد، با چهره باز آن استقبال کنیم بی آن که با ستم گر مبارزه نماییم. در صورتی که گرفتاری ها و مصیبت هایی که برای امام حسین (ع) پیش آمده، تحمیلی از سوی دشمن بر آن حضرت بوده است، آن هم به جهت قیام امام (ع) در برابر دستگاه ستم گر، نه از روی ضعف و زبویی. از علت های عزاداری، این

است که از مبارزه های امام (ع) درس بگیریم و با ستم و ستم گر مبارزه نماییم، ولی اگر بخواهیم از این مراسم ها نتیجه تیره و تاری از زنـدگی بگیریم و تن به تاریکی ها و تیرگی ها بـدهیم، خود انحرافی از این واقعه مهم است. بایـد بدانیم که مظلومیت امـام حسـین (ع) شـجاعانه بوده است، نه زبونـانه. به عبـارت دیگر، معنای راستین مراسم عزاداری، این است که اگرماننـد امام حسـین (ع) در برابر ظلم و ظالم ایسـتادی که بایـد بایستی و تن به ذلت نـدادی که نبایـد بدهی و در این راه متحمل مشـکلاتی شدی، چون امام حسـین (ع) صـبور و بردباری باش و برای گریز از مشکلات، هدفت را از دست ندهی، نه این که سختی ها را تحمـل کنی و هر چه سـتمگر گفت، بی آنکه مبـارزه ای کنی، پـذیرا شـوی و عزاداری برای امـام حسـین (ع) را توجیهی برای زبونی های خود قرار بـدهی. این آفت در واقع مراسم عزاداری را که عاملی بیـدارگر و ضـد سـتم است، به عامل تخدیر کننده تبدیل می کند.۳ افراط و تفریط نهضت امـام حسـین (ع) دارای ابعاد مختلف عاطفی، سیاسـی، اجتماعی و حماسـی و... است. برای اسـتفاده شایسـته از این نهضت، بایـد به همه ابعاد آن توجه یکسان شود تا جامعه پیرو امام حسـین (ع) ، از تعادل و توازن برخـودار باشـد. از آفـت هـایی که مراسم عزاداری را تهدیـد می کنـد، این است که در بعـدی از نهضت زیـاده روی و در بعد دیگر آن کوتـاهی گردد؛ مثلاًـ به بعـد عـاطفی آن بیش از حـد توجه شود که در این صورت مـا ملتی عـاطفی، هیجانی و اهل اشک و

آه خواهیم بود، امام از داشتن جامعه ای با بینش سیاسی و انقلابی و آگاه به زمان و تحلیل کننده اوضاع محروم خواهیم شد، و یا فقط به بعد انقلابی و سیاسی آن بیش از اندازه توجه شود و به بعد عاطفی آن کوتاهی گردد که در این صورت ما ملتی داری بینش سیاسی و تحلیل کننده اوضاع و اهل مبارزه، اما بی روح لطیف،عاطفی و ایثارگر خواهیم بود. مع الاسف، در طول تاریخ مراسم عزاداری، بین ابعاد گوناگونش در نوسان بوده است در اوضاعی بیش از اندازه به بعد عاطفی آن و در اوضاعی هم بیش از اندازه به بعد انقلابی و سیاسی آن پرداخته شده و درباره بعد عاطفی آن کم توجهی شده است. در صورتی که باید بین همه ابعاد نهضت، توازن و تعادل برقرار کرد.هم اشک ریخت و گریه کرد و مرثیه خواند و هم از سیاست، مبارزه و حماسه گفت.۴ خرافات از آفت هایی که مراسم عزاداری را تهدید می کند و اگر در برابر آن هوشیار نباشند،ممکن است کل هدف را از این مراسم مخدوش کند، ورود خرافات در این مراسم است و این خرافات، گاه با نقل خبرهایی که هیچ سند و مدرک درستی ندارد، انجام می گیرد.و گاه با زبان حال هایی که نقل می شود، خود را نشان می دهند. بخشی از مصیبت ها و مرثیه ها، زبان حال سراینده اشعار و یا ذاکر مصیبت، و برداشت و تفسیر آنان از وقایع تاریخی است که نقل می شود. آنچه انکار نکردنی نیست، تأثیر بینش و خصوصیات روحی و مشکلات شخصی و اجتماعی سراینده و یا ذاکر مصیبت، در چگونگی تفسیر ترسیم صحنه های تاریخ است، در صورتی که

آن، بیش از زبان حال یک تصویر و تفسیرفردی نیست و به مرور زمان به صورت واقعیّات پیش آمده و یک حادثه تاریخی در نزدتوده مردم تلقی می شود. به عنوان مثال، وقتی علی اکبر (ع) به میدان می رود، سراینده یاذاکر چنین تصویر می کند که اگر مادرش در آن لحظه حاضر بود چه می گفت و چگونه باجوانش برخورد می کرد و چه حرف هایی به او می زد. مسلماً درباره این که اگر مادرش حاضر می بود، چه می گفت، به فرهنگ و آداب و رسوم محیط اجتماعی و خانوادگی سراینده، مربوط است؛ یعنی، بنابر فرهنگ فردی و اجتماعی سراینده و ذاکر مراثی،هنگامی که مادری جوانش به میدان جنگ می فرستد و یا می بیند که جوانش به میدان جنگ و یا به سفر دور و دراز می رود، این که با او چه حرف هایی را در میان می گذارد، اوهمین برخورد را برای زبان حال به تصویر می کشد و به مادر علی اکبر (ع) نسبت می دهد.در صورتی که ممکن است، این تصویر به کلی نادرست باشد؛ چه این که هم فرهنگ و روحیات هر قومی با فرهگ و روحیات قوم دیگر متفاوت است و هم شخصیت و خصوصیات روحی هر فرد با فرد دیگر. این اختلاف، موجب اختلاف در برخورد با حوادث ناگوار و مشکلات می گردد. بعضی از این خرافات، هم عملی است که به رفتار و اعمال مربوط می شود و پایه صحیحی برای آن منصور نیست؛ مثل حمل عَلَم عریض و طویل که به شکل صلیب مسیحی هاست. در روی بازوهای این علم کذایی، اشکالی از خورشید،کشکول، تبرزین، کبوتر و اژدها و... نصب شده و بر سر علم هم چند زنگوله آویزان که

مفهوم درستی از این اشکال و اشیا فهمیده نمی شود. در صورتی که علم به معنای علامت و نشانه (پرچم) و حمل آن در میدان جنگ، مرسوم بوده است. در آن زمان به هنگام جنگ، پارچه ای را به رنگ دل خواه یا طبق قرارداد، بر چوب بلندی می بستند و آن را دردست پرچمدار که از شجاع ترین نیروهای رزمی بود، می دادند و جنگ جویان با دیدن آن موقعیت دوست و دشمن را تشخیص می دادند. اگر بنا بود که علم های آن زمان، مثل علم هایی باشد که امروزه در بعضی از مراسم عزاداری حمل می شود، چندین نفر از نیروی رزمنده را از انجام وظیفه باز می دارد.امروزه ما شیعیان، در برابر چشم میلیون ها بیننده در سراسر جهان قرار داریم، چه بسا این مراسم به وسیله ماهواره ها به سراسر جهان نشان داده می شود. انجام این گونه برنامه ها برای ناظران جهانی پرسش برانگیز است. ما باید جواب قانع کننده و معقولی برای کارهای خود داشته باشیم، تا باعث جذب آنان به فرهنگ خود بشویم، نه آن که کارهایی انجام بگیرد که موجب توهین به ملت و مکتب ما در انظار جهانی بشود.استدلال های ما باید از محدوده درون مکتبی، فراتر برود و برای هر ناظر منصف و بی طرف جهانی قانع کننده جذاب باشد.

نتیجه گیری

عزاداری برای شهیدان کربلا ریشه در عواطف و احساسات انسانی دارد و دارای پایه های تاریخی و روایی است. عزاداری دارای فلسفه ها و حکمت هایی است که از جمله آنها احیا ارزش ها و پیام های عاشورا می باشد. با توجه به ریشه های تاریخی و روایی عزاداری روشن می شود که حکومت های شیعی در تاریخ، نقشی در پیدایش اصل آن نداشتند اگر چه ممکن است در

شکل و فرم آن تأثیر داشته و یا ترویج آن کوشیده، همچنین از مطالب گذشته معلوم شد که همراه با اهمیتی که سنت عزاداری دارد آفـاتی نیز آن را تهدیـد می کنـد. آفـاتی چـون موضوعیت یـافتن و جنبه تشـریفاتی پیـدا کردن، افراط و تفریـط در ابعـاد نهضت، برداشت منفی از نهضت ورود خرافات در سـنت عزاداری از جمله آفت هایی است که به آنها اشاره شـد بایـد به گونه ای شایسته با سنت عزاداری برخورد کردکه از گزند آفات مصون بماند تا روشنایی بخش جامعه پیرو راه امام حسین (ع) باشد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹